

## تأثیر مشورت در ساختار شخصیت جوان

سلمان مودتی

عضو حلقه علمی بلاغ (برادران)

دانش پژوه دوره عالی تبلیغ و تربیت اسلامی گرایش تربیت مربی

**چکیده:** با توجه به اهمیت دوران جوانی و نیاز جوانان به مشورت، پاسخ به این پرسش که؛ مشورت با جوان در ساختن هویت او و در تشکیل شخصیت فردی و اجتماعی وی در آینده چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ دارای اهمیت بسیار است. این نوشتار در صدد است تا رابطه بین مشورت با جوان و ایجاد عزت نفس در او و آثار آن مثل ایجاد حس مسئولیت، رشد عقلی، اجتماعی شدن و... را بیان نماید. نویسنده در فصل اول به مباحث شخصیت (عوامل مؤثر در ساختار شخصیت، آفات شخصیت و...) پرداخته و در فصل دیگر، کلیاتی در مورد مشورت، ضرورت و آثار و فواید آن ارایه شده است. در بخش پایانی نیز به بیان تأثیر مشورت در ساختار شخصیت فردی و اجتماعی پرداخته شده است.

**کلیدواژگان:** جوان، شخصیت، مشورت، مشاور.

### مقدمه

بر هر انسانی که در آغاز نوجوانی قرار گرفته، لازم است تا برای رسیدن به شخصیتی سالم تلاش نماید و «من» وجودی خود را پایه‌ریزی کند. در شکل‌گیری هویت هر فرد عوامل گوناگونی دخیل است؛ از جمله آنها احساس ارزشمندی و بزرگی می‌باشد. یکی از راه‌های رسیدن به آن، بهادادن به فرد است. این امر از طریق مسئولیت دادن به وی،

مشارکت دادن او در امور و مشورت نمودن با او به دست می‌آید. نوجوانی و جوانی، دوره حساس و مهمی است که نیاز به توجه ویژه دارد. از این رو در سخنان بزرگان دین به این مهم اشاره شده است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی، زندگی کودک را به سه قسمت هفت ساله تقسیم فرموده و هفت سال سوم آن را دوران "وزارت جوان" معرفی کرده‌اند.<sup>۱</sup> از این روایت به دست می‌آید، جوان در این مرحله از زندگی - یعنی از ۱۴ تا ۲۱ سالگی - مسئولیت پذیر بوده و می‌تواند عملکرد وزیرگونه داشته باشد. از جمله بایسته‌های وزارت این است که؛ دارای اختیارات باشد، در مسائل مختلف مشارکت و اظهار نظر نماید و گوشه‌ای از مسئولیت‌ها را بر عهده گیرد. با وجود سفارش و تأکید بسیار بزرگان در مورد مشورت و نیاز به آن، به این مسئله هنوز در جامعه نهادینه نشده است. به ویژه والدین و مربیان گرامی بدان پایه که شایسته است از آن بهره نمی‌برند و در روابط خود با فرزندان‌شان کمتر از آن استفاده می‌کنند. یکی از عوامل انحراف جوانان، بی‌توجهی والدین به مسئله مشورت و گفتگو با جوانان است.

### بخش اول: شخصیت

شخصیت در لغت به معنای خلق و خو و مجموعه ویژگی‌های یک فرد است که او را از دیگران متمایز می‌سازد.<sup>۲</sup> دوان پی شولتز (از نظریه‌پردازان شخصیت) در مورد تعریف اصطلاحی شخصیت چنین می‌نویسد: «شخصیت ویژگی‌های با دوام و منحصر به فرد است که امکان تغییر در موقعیت‌های مختلف را دارد.»<sup>۳</sup> در تعریفی دیگر آمده است: «شخصیت همان ویژگی‌هایی است که در یک فرد شکل گرفته و در رفتارش ظاهر می‌گردد، گرچه تا حدی ثابت دارد لکن تغییرپذیر است.»<sup>۴</sup>

### عوامل مؤثر در ساختار شخصیت، از دیدگاه روان‌شناسی

روان‌شناسان و نظریه‌پردازان شخصیت، دو عامل را در ساختار شخصیت افراد

۱. حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۴۲۶.

۲. غلامرضا بلوچ، فرهنگ مصور فارسی.

۳. دوان پی شولتز، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، ص ۱۱.

۴. علی شریعتمداری، روان‌شناسی تربیتی، ص ۴۸۴.

دخیل می‌دانند: عامل نخست وراثت است که برخی از ویژگی‌های شخصیتی والدین را به فرزندان منتقل می‌کند و دیگری محیط است. محیط، می‌تواند صفات وراثتی را تقویت یا تضعیف نماید.

از سوی روان‌شناسان عوامل دیگری نیز بیان شده است که والدین یکی از آنها هستند. آدلر، نقش والدین را بسیار مهم می‌داند. او رفتار والدین را در هویت‌سازی فرزندان به دو نوع تقسیم می‌کند؛ یکی والدین نازپرور و دیگری والدین سهل‌انگار.<sup>۱</sup> گزینه هم عامل دیگری به شمار می‌رود. به نظر فروید، غرائز، عناصر اصلی شخصیت هستند. مثلاً انسان گرسنه برای رفع گرسنگی خود رفتاری انجام می‌دهد که قسمتی از شخصیت وی را می‌سازد.<sup>۲</sup> یادگیری، رشد و هوشیاری، عوامل دیگری هستند که در ساختار شخصیت انسان اثر گذارند.

### عوامل مؤثر در ساختار شخصیت از منظر دین

دین اسلام نیز در مورد شخصیت‌سازی فرد، عواملی را مطرح نموده است که در این قسمت به چهار عامل اساسی اشاره می‌کنیم؛

۱. **وراثت؛** امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «حَسَنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ»؛<sup>۳</sup> «اخلاق خوب دلیل وراثت‌های پسندیده است.»

۲. **محیط؛** شامل محیط قبل از تولد (رحم) و محیط بعد از تولد است که بیشتر محیط خانواده مورد نظر است. اما شامل مدرسه، محیط کاری و جامعه هم می‌شود.

۳. **والدین؛** اسلام برای والدین نسبت به فرزندان وظایفی را بیان کرده است. انجام این وظایف، ارتقاء سطح شخصیت فرزندان را در پی دارد. این وظایف عبارتند از: فراهم کردن تغذیه حلال، نام نیکو نهادن، تربیت صحیح، تشویق شایسته آنان، مشورت با جوان، خطاب با لحن نیکو، اعتماد به جوان، تقویت عزت نفس در ایشان و مصادیق زیادی که زیر مجموعه احترام و محبت است. به عنوان نمونه؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می‌فرماید: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يَغْفِرَ لَكُمْ»؛<sup>۴</sup> «به فرزندان خود احترام بگذارید و خوب ادبشان کنید تا مورد رحمت الهی قرار گیرید.»

۱. جعفر دارابی، نظریه‌های روان‌شناسی شخصیت، ص ۱۱۴.

۲. دوان پی شولتز، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، ص ۵۶.

۳. محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ح ۵۳۵۸، ص ۲۵۴.

۴. حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۲۲.

۴. خود فرد، برخورداری از این عامل در گروه سه اصل است:

#### اول. اراده قوی.

دوم. آگاهی از شخصیت خود؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ جَلَّ

أَمْرُهُ»؛ «کسی که خود را بشناسد، جایگاه برتری می‌یابد.»

سوم. غلبه عقل بر شهوت؛ سازمان شخصیت از دیدگاه انسان‌شناسی اسلامی از دو

عامل، عقل و شهوت تشکیل شده است و شخصیت انسان بستگی به این دارد که کدام

یک از این دو، حاکم بر نفس و جان شوند. اگر عقل و فطرت غلبه پیدا کنند، چنین

انسانی در دیدگاه امام علی علیه السلام از فرشتگان برتر است؛ اما اگر جنبه شهوت غالب گردد،

انسان حتی از حیوانات هم پست‌تر خواهد شد.<sup>۲</sup>

#### آفات شخصیت

از دیدگاه روان‌شناسی، ناهنجاری‌ها، اختلالات و نقایص جسمی و روحی، آفت به

شمار می‌رود این آفات از نگاه اسلام، شامل گناهان و رذائل است.

اینک برخی از آفات و رذائل که سبب از میان رفتن هویت انسانی می‌گردد را یادآور

می‌شویم؛

۱. وسواس؛ روان‌شناسان، وسواس را نوعی بیماری می‌دانند که تعادل روانی و

رفتاری انسان را سلب می‌کند و او را در سازگاری با محیط دچار مشکل می‌سازد.<sup>۳</sup>

۲. خودکم‌بینی (عدم عزت نفس)؛ کسی که خود را کوچک و ناچیز شمرد، برای

خود ارزش قائل نشود و خود را لایق احترام و تکریم نداند، عزت نفس ندارد. فردی که

دارای عزت نفس نباشد، شرافت اخلاقی نخواهد داشت. چنین فردی به پستی گراییده

و به گناهان آلوده می‌گردد.

۳. هراس؛ ترس شدید از محرک، یا ترس از موقعیتی که غالب مردم از آن احساس

خطر نمی‌کنند.

۴. شک؛ مرددبودن در امور، که انسان را در تنگنا قرار می‌دهد و مانع تصمیم‌گیری

صحیح می‌شود.

۵. بدبینی؛ نسبت به دیگران نگرش منفی داشتن. فردی که نسبت به دیگران بدبین

۱. محمد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴۶۳۹، ص ۲۳۲.

۲. شیخ صدوق، علل الشرائع، ص ۴۱.

۳. علی قائمی، وسواس، ص ۱۴.

باشد، نمی‌تواند به آنان اعتماد کند و از تجربیات و اندرزهای دیگران بی‌بهره می‌ماند.  
۶. نفاق (دو رویی)؛ سبب دوگانگی در شخصیت و گاهی سبب دو شخصیتی می‌شود.

۷. اضطراب و استرس، و تمامی گناهان و ردائل اخلاقی.  
فردی که دارای این صفات است، شخصیتی بیمار دارد. چنین افرادی برای رسیدن به هویت سالم خویش، لازم است این خصلت‌ها را از خود دور نمایند، به انجام اعمال مثبت روی آورند و محو دستورات الهی گردند. در این صورت، کامل‌ترین شخصیت در آنان بوجود می‌آید.  
این‌گونه آفات و ردائل، معلول علت‌هایی از قبیل؛ نبود محبت و امنیت و عدم تربیت شایسته است. مشورت نکردن با جوان نیز یکی از عواملی است که این آفات را به دنبال دارد.

### بخش دوم: مشورت

مشورت در لغت، به معنای "صلاح اندیشی، رایزنی، تبادل اطلاعات و استفاده از نظر دیگران" است و در قالب مشاوره، واژه‌ای عربی، از ریشه "شَارَ، یَشِيرُ" به معنای "بیرون آوردن، آراستن و رأی زدن" می‌باشد.<sup>۱</sup>  
علامه محمدتقی جعفری، مشورت را این‌گونه تعریف می‌کند: «اجتماع عده‌ای از مردم آگاه و مورد اطمینان برای به دست آوردن حقیقت در موضوعی که بدیهی نبوده و نظری است.»<sup>۲</sup>

### اهمیت مشورت

اسلام برای مشورت اهمیت زیادی قائل است، به گونه‌ای که قرآن کریم، پیامبر اکرم ﷺ را که از مقام عصمت برخوردار است و از منبع وحی الهام می‌گیرد، به مشورت کردن با مردم سفارش کرده است.  
قرآن کریم، در آیاتی دیگر، از این مهم سخن به میان آورده از جمله در سوره شوری صریحاً امر به مشورت کرده و می‌فرماید: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ يَتَذَكَّرُونَ...﴾<sup>۳</sup>؛ «... و کارشان

۱. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱۲، ص ۱۸۵۲۶.

۲. محمدتقی جعفری، شوری و مسئولیت، ص ۳.

۳. شوری/۳۸.

را با مشورت یکدیگر انجام می‌دهند.» همچنین در سوره آل عمران به پیامبر ﷺ امر می‌شود تا مشورت نماید. آنجا که می‌فرماید: ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...﴾<sup>۱</sup>؛ «در کارها با آنان مشورت کن.» سوره بقره نیز به موضوع مشورت کردن زن و شوهر، درباره‌ی از شیر گرفتن کودک اشاره کرده است.<sup>۲</sup>

در مورد اهمیت مشورت در روایات به ذکر روایتی از نبی اکرم ﷺ بسنده می‌کنیم. ایشان می‌فرمایند: «لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقَ مِنَ الْمَشَاوَرَةِ»<sup>۳</sup>؛ «هیچ پشتیبانی، مطمئن‌تر از مشورت نیست.»

### فواید مشورت

در روایات، فواید زیادی برای مشورت ذکر شده است؛ از جمله: استفاده از افکار دیگران، بهره‌مندی از تجربیات دیگران، روشن شدن زوایای پنهان مسئله، برطرف شدن تردیدها، کاهش احتمال خطا و... .

در این باره به چند روایت اشاره می‌کنیم؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَ كَهَا فِي عُقُولِهِمْ»<sup>۴</sup>؛ «کسی که با افراد بزرگ مشورت کند، در عقل آنها شریک شده است.»

و همچنین می‌فرماید: «مَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَاءِ»<sup>۵</sup>؛ «آن کس که از آرای گوناگون استفاده کند، صحیح را از خطا تشخیص می‌دهد.»

بزرگان و اندیشمندان نیز ثمرات فراوانی برای مشورت بیان نموده‌اند. آیت‌الله طالقانی، بهره‌گیری از آرای دیگران را به نور تشبیه کرده و می‌فرماید: «هر عقل نوری است، که چون با یکدیگر جمع شود، شدت نور آن بیشتر می‌شود. در نتیجه شعاع پرتوافکنی آن گسترده می‌گردد.»<sup>۶</sup>

مولوی در مورد فواید مشورت (آگاهی بخشیدن و کاهش احتمال خطا) چه زیبا سروده است:

۱. آل عمران/۱۵۹.

۲. بقره/۲۳۳ ﴿فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ...﴾.

۳. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۷۷.

۴. سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱، ص ۶۶۴.

۵. سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۷۳، ص ۶۶۶.

۶. سید محمود طالقانی، از آزادی تا شهادت، ص ۴۷۳.

مشورت ادراک و هوشیاری دهد عقل‌ها مر عقل را یاری دهد  
امر شاوورهم برای آن بود کز تشاور، سهو و کژ کمتر شود

### آثار مشورت

از مهم‌ترین آثار مشورت، شخصیت‌سازی است. فردی که مورد مشورت قرار می‌گیرد، احساس استقلال، بزرگی و ارزش می‌کند. چنین کسی برای خود جایگاهی در نظر می‌گیرد و به هیچ وجه حاضر نیست آن را از دست بدهد. در تفسیر نمونه انسان‌های با شخصیت را به خردمندانی تشبیه کرده‌اند که بیش از آنکه از دوزخ بترسند، از رسوایی وحشت دارند.<sup>۳</sup> چنانچه در روز قیامت، سربلندی مؤمن و شرمسار نشدنش در نزد پروردگار با ارزش‌تر از بهشت رفتن اوست. از دیگر آثار مشورت می‌توان به: ایجاد روحیه عزت نفس، ایجاد حس مسئولیت، ایجاد اعتماد، شتاب در رشد عقلی، اجتماعی شدن و ... اشاره نمود.

### بایسته‌های مشاور

بر اساس آیات و روایات، باید با افرادی مشورت کرد که عاقل و پرهیزگار باشند، امین و دلسوز و صاحب‌نظر باشند و از اظهار نظر خام بپرهیزند. این افراد به خاطر صفات مثبتی که دارند، مشاورین مناسبی هستند و در شخصیت انسان تأثیر مطلوب را می‌گذارند. همچنین در روایات از مشورت با افراد ترسو، حریص، جاهل، لجوج، بخیل، دروغگو، احمق، منافق، خودرأی و ... نهی شده است. نکته قابل توجه در مورد این ویژگی‌ها آن است که این افراد دارای شخصیتی بیمار و ناقص هستند که مشورت با آنها، سبب نقص در هویت مشورت‌گیرنده می‌شود.<sup>۴</sup>

## فصل سوم

### سازوکار هم‌فکری با جوان

در هر مشارکت، برای دستیابی به هدف مورد نظر رعایت برخی مسائل ضروری است. در گفتگو با جوان نیز لازم است، نکاتی مورد توجه قرار گیرد، که به برخی از

۱. عبدالباقی گولپینالی، شرح مننوی شریف (مولوی)، دفتر نخست، ص ۱۹۹.

۲. همان، دفتر ششم.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۱۷.

۴. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۴۶؛ غرر الحکم و دررالکلم، ص ۴۴۲ و ۴۴۳؛ شوری و بیعت، ص ۱۴-۱۹.

آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱- مذاکره بین والدین و جوان؛ بدون برد و باخت باشد. پدر و مادر هدفشان این نباشد که حرف خود را به کرسی بنشانند، بلکه باید تلاش نمایند تا مشاوره‌ای حقیقی انجام شود و رأی صحیح مورد پذیرش قرار گیرد.
- ۲- توجه به انتخاب بهترین زمان؛ زمانی برای مشاوره مناسب است که والدین و جوان مشغله‌ای نداشته باشند. مذاکره در موقعیت‌های نامناسب سبب می‌شود تا گفتگوی میان آنان، کیفیت خود را از دست بدهد؛ زیرا هر کدام سعی دارند گفتگو را زودتر به پایان برند تا به کار مورد علاقه خود بپردازند.
- ۳- دقت و حوصله در شنیدن؛ اگر سخن جوان مخالف با افکار و اعتقادات والدین باشد، ناراحت نشوند، خشونت ننمایند و با تأمل و تدبر او را راهنمایی کنند.
- ۴- فضای گفتگو؛ باید توأم با صمیمیت، شیفتگی و احترام متقابل باشد. در چنین موقعیتی است که جوان با آرامش و آسودگی خاطر می‌تواند تمام مشکلات و نگرانی‌های خود را ابراز دارد و والدین را در ارشاد خود، کمک نماید.
- ۵- اگر جوان دچار تردید است و خواهان راهنمایی، نظر خود را با صراحت بیان کنند تا شک او برطرف شود.
- ۶- یافتن بهترین راه حل که منافع تمام افراد ذی نفع در آن لحاظ شده باشد. پس باید منافع شخصی خود را رها کرده، منافع کل را در نظر بگیرند.

### بخش سوم: آثار مشورت در زندگی جوان

آثار مشورت در زندگی جوان را می‌توان در سه بخش بررسی کرد:

#### الف. تأثیر مشورت در شخصیت فردی جوان

در پرتو گفتگو، جوان می‌تواند هویت‌سازی کند و خود را برای ورود به عرصه‌های مختلف آماده سازد. بهره‌ای این نظرخواهی‌ها در ابتدا برای خود جوان و سپس برای والدین، خانواده و جامعه است. از جمله ثمرات مشورت در شخصیت فردی جوان عبارت‌اند از:

- ۱- رشد عزت نفس؛ مهم‌ترین سود حاصل از تعامل با جوان، رشد صحیح عزت نفس در اوست. عزت نفس به ارزیابی که انسان از خود دارد و ارزشی که برای خود قائل است، اطلاق می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. پاول هنری مانسن و دیگران، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسانی، ص ۴۱۳.



روان‌شناسان توجه زیادی به عزت نفس کرده‌اند و آن را به عنوان نیاز اولیه برشمرده‌اند. در اسلام، اساس پرورش دینی بر رشد شخصیت از طریق تقویت عزت نفس استوار شده است. در این هنگام انسان برای خود اعتبار و ارزش والایی قائل است، ضربه‌های تحقیرآمیز را دفع می‌کند و تن به ذلت نمی‌دهد. چنین فردی هرگز به گناهان آلوده نمی‌شود، و اگر لغزشی نمود خود را از آن دور می‌نماید. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنِّهَا بِالْمَعْصِيَةِ»؛ «کسی که کرامت نفس داشته باشد، و به ارزش و بزرگی خود پی ببرد، خود را با گناه بی‌ارزش نمی‌کند.»

۲- احساس استقلال و آزادی؛ این احساس در تمامی نوجوانان و جوانان وجود دارد. آنان دوست دارند، بدون اتکا به کسی زندگی کنند. خودشان تصمیم بگیرند و کارهایشان را خود انجام دهند. این حس در افراد، در حد یک خواسته است و وقتی نمایان می‌شود که به جوان ارزش دهیم، مسئولیتی به او واگذاریم و او را در امور شریک کنیم. در این هنگام است که احساس استقلال در جوان، شکوفا می‌شود و آزادی او در اعمال و رفتارش جلوه می‌کند و می‌تواند از این دو صفت بهره ببرد و در ساختن آینده خویش موفق گردد.

۳. احساس بزرگی؛ نوجوان، هنگامی که غرق در بحران‌هاست، به دنبال هویت خویش می‌گردد. می‌خواهد از کودکی خود فاصله بگیرد و به بزرگ‌سالی برسد. آن قدر پخته نیست تا بزرگ به حساب آید و آن قدر بچه نیست، تا کودک قلمداد شود. بزرگداشت او، بزرگش می‌کند و مشارکت با او صعودش می‌دهد. در این هنگام از کودکی فاصله می‌گیرد، رفتارهای کودکانه را دور می‌ریزد و خود را همانند بزرگان می‌پندارد. رفتار آنان را انجام می‌دهد، و به شیوه آنان زندگی می‌کند.

۴. رشد عقلی؛ در پرتو مشاوره، انسان زودتر به بلوغ عقلی می‌رسد؛ زیرا مشورت فکر را به تکاپو وادار می‌دارد و ذهن را فعال می‌سازد. قرآن کریم، سخن گفتن با یتیمان را سفارش کرده است. مفسرین هدف از این سفارش را برطرف کردن کمبودهای روانی و کمک به رشد عقلی آنان می‌دانند.<sup>۲</sup>

۵- قدرت تصمیم‌گیری؛ کسی که چندین بار مورد مشورت قرار گرفته، راحت‌تر می‌تواند تصمیم بگیرد، در تصمیم‌گیری تمام جوانب را در نظر می‌گیرد و احتمالات را مورد سنجش قرار می‌دهد تا نظر نهایی، دقیق، واقعی و قابل اجرا باشد.

۱. محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص ۶۷۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۷۱.

۶- شناخت استعدادها و توانایی‌ها؛ جوانی که نسبت به توانایی‌های خود آگاه است، در خود احساس قدرت و لیاقت می‌کند. او احساس سودمندی نموده و تلاش می‌کند ارزش‌ها و ضدارزش‌ها را بشناسد و در زندگی به کار گیرد.

۷- تعدیل و سلامت روان؛ چنانکه بیان شد، نوجوانی، دوره بحران و انتقال است. (گذر از کودکی به بزرگسالی) باید دید چگونه این بحران مهار شود تا روح و روان نوجوان آسیب نبیند و کجروی در پیش نگیرد. یکی از عواملی که سبب مهار این بحران می‌شود، خانواده است. در خانواده‌ای که فرزندان از والدین حرف شنوی داشته باشند، حرف یکدیگر را بفهمند و به همدیگر کمک کنند، نوجوان با آسودگی بیشتری این دوران را طی خواهد نمود و پس از این دوره سلامت روان وی مشهود و رفتارش تعدیل می‌گردد.

۸- جوشش امید و نیرو؛ امید به زیستن در جوان تقویت می‌شود. قوای وی فعال می‌گردد و برای انجام هر مسئولیتی آماده می‌شود. وظایف خود را به درستی انجام می‌دهد تا رضایت دیگران را به دست آورد.

۹- ایجاد تفکر صحیح در جوان؛ مشورت باعث به وجود آمدن تفکرات و اعتقادات درست در جوان می‌شود. به گونه‌ای که اگر افکار باطلی در وی به وجود آید، با ارشادات منطقی و معقول والدین بر طرف خواهد شد.

۱۰- استفاده از تجربیات دیگران؛ جوان هنگامی از تجربیات دیگران بهره می‌گیرد که دیگران او را مورد توجه قرار داده؛ اگر امش کنند. در این صورت، راهنمایی، پند و تجربه دیگران را به گوش گرفته و در برنامه‌های خود مورد استفاده قرار می‌دهد. اگر این توجه از طرف والدین و الگوهای مثبت باشد، جوان به رشد همه جانبه خواهد رسید. اما اگر منبع توجه و احترام افراد سودجو باشند، خطر انحراف جوان را تهدید خواهد کرد.

۱۱- جلوگیری از انزوا و گوشه‌گیری؛ کسی که از مشورت نمودن و مشارکت با دیگران دوری کند، مورد پذیرش جامعه نخواهد بود. چنین فردی منزوی شده و در ارتباطات با مشکل مواجه می‌شود. او کمرو، خجالتی، ترسو، کسل، مضطرب و ... است و اختلالات در وی افزایش می‌یابد. اما فردی که جامعه و خانواده او را می‌پذیرند، هرگز در گوشه عزلت منزوی نمی‌شود و مشکلات روانی و ناهنجاری‌های اجتماعی در وی کمتر به چشم می‌خورد. در مصاحبه با دانش‌آموزی دبیرستانی، عقیده‌اش را درباره جوانی می‌پرسند؛ او پاسخ می‌دهد: تا قبل از هفده سالگی منزوی بودم، اما پس از آن،

با استقلالی که در پرتو مشورت و مشارکت به دست آوردم، دیگر گوشه گیر نیستم.<sup>۱</sup>

### ب. تأثیر مشورت با جوان، در خانواده

مشاوره با جوان علاوه بر اینکه برای او مفید است و سبب افزایش کرامت، شرافت، رشد و تعالی وی می‌گردد؛ سبب رشد سطح اجتماعی و فرهنگی خانواده نیز می‌شود.

اکنون آثار گفتگو در خانواده را بر می‌شماریم:

۱- استحکام بنیان خانواده؛ در عصر حاضر به ویژه در جوامع غربی جهت گرفتاری‌ها و اشتغال والدین در خارج از منزل، بنیان خانواده رو به تزلزل نهاده است. این روند به کشور ما نیز رسیده و جامعه ما نیز از آن متأثر گردیده است. به گونه‌ای که بعضی از والدین، فرزندان خود را چند روز نمی‌بینند، با یکدیگر غذا نمی‌خورند و از احوال همدیگر بی‌اطلاع هستند. به همین دلیل خانواده در معرض فروپاشی قرار می‌گیرد و لزوم اقدام اساسی برای نگهداری آن احساس می‌شود.

از مهمترین بحث‌هایی که طی سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته و تلاش شده تا در خانواده‌ها نهادینه گردد، بحث گفتگوی اعضای خانواده است. نزدیک شدن دل‌ها، صمیمیت، شیفتگی، احترام و استواری کانون مقدس خانواده موهون همین گفت و شنودهاست. دور هم گرد آمدن، مذاکره با یکدیگر و از نظرات یکدیگر استفاده کردن، صلهٔ رحم و جلسات مفید از جمله عواملی هستند که در استحکام نهاد خانواده نقش به‌سزایی دارد.

۲- رفاقت با والدین؛ والدینی که با فرزندان‌شان ارتباطات بیشتری دارند، با یکدیگر همدل و رفیق هستند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: هر کس به خاطر (برای خوشبختی) تو کاری انجام داد، دوست توست.<sup>۲</sup> پس بهتر است پدر و مادر با فرزندان خود دوست باشند؛ زیرا والدین خیرخواه‌ترین افراد نسبت به فرزندان خویش هستند.

۳- راه نفوذ در دل جوان؛ برای اثرگذاری بر فرزند، در دورهٔ اول کودکی باید با وی کودکانه رفتار نمود و خود را تا حد کودکی تنزل داد و در هفت سال دوم، باید مقتدرانه عمل نمود. در مورد نوجوان باید تکریمش کرد و ارزشش را والا شمرد.

۴- اعتماد بین افراد خانواده؛ به خصوص بین جوان و والدین. هنگامی جوان به پدر، مادر و بزرگ‌ترها اطمینان می‌کند که آنان نیز به جوانان اعتماد کنند. اگر پدر و

۱. مجله حدیث زندگی «عنوان مقاله»، سال ۸، ش ۳، ۱۳۸۷، ص ۳۵.

۲. محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۹۴۸۸، ص ۴۱۵.

مادر او را شریک زندگی قرار دهند و بر اسرار زندگی آگاهی سازند، او نیز والدین را از اسرار و مشکلاتش مطلع می‌کند، در این صورت است که می‌توان به بهترین شیوه او را راهنمایی نمود.

۵- دوست داشتن والدین؛ زمانی که والدین، فرزند را در گفتگوها و مسائل زندگی مشارکت دهند و از این طریق به او احترام بگذارند، فرزند نیز چنین والدینی را دوست می‌دارد و به آنان عشق می‌ورزد. در این جمله شرطی بهتر است در پاسخ شرط، فعل آینده به کار رود یعنی «فرزند چنین والدینی را دوست خواهد داشت و به آنان عشق خواهد ورزید».

۶- برخورداری از راهنمایی‌های بزرگسالان و حل مسائل و مشکلات خانوادگی؛ چنان که بیان شد، مشورت با جوان سبب اعتماد وی به والدین می‌گردد و جوان را تحریک می‌کند تا مسائل و مشکلاتش را در حلقه بحث ابراز دارد. بنابراین والدین به مشکلات جوان آگاهی یافته، نسبت به حل آنها اقدام می‌کنند و راهنمایی‌های لازم را به وی عرضه می‌دارند و راه درست را به او نشان می‌دهند. از این طریق، نیاز به تکریم را در جوان ارضاء نموده‌اند، بر اسرارش آگاهی یافته و او را ارشاد کرده‌اند.

### ج. تأثیر مشورت در زندگی اجتماعی جوان

از مزیت‌های گفتگو با جوان در جامعه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱- رشد اجتماعی؛ جوانی که مشاور خانواده است، رشد عقلی او سریع‌تر انجام می‌گیرد. او تعادل روحی و سلامت روانی دارد و مستقل، وظیفه‌شناس، پرتحرک و امیدوار است. هرگز منزوی نمی‌شود و در تعاملات اجتماعی موفق‌تر است. راحت با دیگران ارتباط برقرار می‌کند و دوستان بیشتری جذب می‌کند. به عقیده والن<sup>۱</sup> «شخصیت اجتماعی جوان از طریق اجتماعی شدن وی شکل می‌گیرد»<sup>۲</sup>. اما در خانواده‌ای که اثری از احترام و مشورت نباشد، جوان بر اثر سوء تربیت، خودباخته می‌شود و از اینکه در جامعه زندگی کند و با مردم معاشرت نماید، می‌ترسد.

۲- احساس مسئولیت؛ در کتاب «مشارکت کودکان و نوجوانان» آمده است: «مشارکت نوجوانان تنها به منظور جلوگیری از بی‌تفاوتی آنان و کاهش جرم و جنایت نیست، بلکه مشارکت آنان در اداره امور جامعه نتایج دیگری هم دارد که مهم‌ترین

۱. D.wallon .۱

۲. پیربادان، روان‌شناسی شخصیت، ص ۹۰.

آن ایجاد حس مسئولیت در نوجوان است.<sup>۱</sup> بنابراین نوجوان و جوانی که در امور مشارکت می‌کند، مسئولیت‌پذیر است و وظایفش را به درستی انجام می‌دهد و خود را در قبال وظایفش متعهد می‌داند.

۳- شکوفایی استعدادها و توانایی‌ها؛ گفتگو، برخی از توانایی‌های انسان را نمایان می‌کند تا انسان آنها را در زندگی و روابط اجتماعی به کار گیرد؛ چنانکه یکی از فواید مشورت پیامبر ﷺ با یارانش، رشد و شکوفایی فکری آنان بیان شده است.<sup>۲</sup>

۴- احترام به حقوق دیگران؛ بهترین آموزش برای فرزند، آموزش عملی است. وقتی به جوان احترام بگذاریم و به او مسئولیت دهیم، او نیز حقوق ما را محترم شمرده و می‌آموزد که در جامعه هر کس حقی دارد که نباید نادیده گرفته شود.

۵- کاهش جرم و جنایت؛ آنکه برخوردار از مقام والا و جایگاه رفیع و محبوبیت است، با ارتکاب گناه، جرم و رفتارهای ناپسند، مقامش را تنزل نمی‌دهد و چهره‌ی محبوب خود را خدشه‌دار نمی‌سازد، سعی می‌کند از اشتباهات دوری کند تا جایگاهش را از دست ندهد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «النفس الکریمه لاتؤثر فیها التکبات»؛<sup>۳</sup> «گناهان، در روان اشخاص با عزت نفس بالا، نقش نمی‌بندد.»

۶- آباد شدن جامعه؛ خانواده‌ای که در آن اعضا تبادل نظر و گفتگو می‌کنند و در کارها با هم مشورت می‌کنند، جزء موفق‌ترین خانواده‌ها خواهد بود. در جامعه‌ای که چنین باشد نیز، به سبب تعامل بیشتر، افراد، از احوال یکدیگر اطلاع دارند و با درک متقابل به یکدیگر کمک می‌کنند. این اجتماع هرگز ضربه نخواهد دید و به سمت جامعه آرمانی هدایت خواهد شد.

## منابع

### کتاب

۱. قرآن کریم.
۲. احمدپناهی، علی، «اصول و راهکارهای مشاوره» فصلنامه حوزه، ش ۴ (زمستان ۱۳۸۶).
۳. استریت، ادی، مشاوره خانواده، ترجمه مصطفی تبریزی و علی علوی نیا، فراوان، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۴. البستانی، محمود، اسلام و روان‌شناسی، ترجمه محمود هوشم، چاپ دوم، بنیاد پژوهش‌های

۱. راجرای هارت، مشارکت کودکان و نوجوانان، ص ۱۴.

۲. عبدالعلی بازرگان، شوری و بیعت، ص ۶.

۳. محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۳۱، ح ۴۶۰۶.

- اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۵ ش.
۵. بازرگان، عبدالعلی، شوری و بیعت، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۱ ش.
۶. بلوم، جرالدارس، نظریه‌های روان‌کاوی شخصیت، ترجمه هوشنگ حق‌نویس، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۲ ش.
۷. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جاویدان، ۱۳۷۴ ش.
۸. پی شولتز، دوان و سیدنی الن شولتز، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلام، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۶۶ ش.
۱۰. جعفری، محمدتقی، شوری و مسئولیت، فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. جلالی، مهدی، روان‌شناسی کودک، بی‌جا، چاپ یازدهم، ۱۳۶۱ ش.
۱۲. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثناعشری، میقات، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۱۳. خزعلی، کبری و دیگران، "زن، عقل، ایمان، مشورت"، سفید صبح، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۴. دارابی، جعفر، نظریه‌های روان‌شناسی شخصیت، آبیژ، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۱۵. سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، قم، ۱۳۷۹ ش.
۱۶. شریعتمداری، علی، روان‌شناسی تربیتی، چاپ نهم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۱۷. طبرسی، حسن، مکارم الاخلاق، شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ ق.
۱۸. فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات، چاپ یازدهم، معارف اسلامی، تهران، ۱۳۵۲ ش.
۱۹. فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی جوان از نظر عقل و احساسات، چاپ پانزدهم، معارف اسلامی، تهران، ۱۳۴۸ ش.
۲۰. مرتضوی، سید ضیاء، درآمدی بر شکل‌گیری شخصیت جوان، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۷۹ ش.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ بیست و پنجم، دارالکتب اسلامی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۲۲. هارت، راجرالی، مشارکت کودکان و نوجوانان، ترجمه فریده طاهری، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۲۳. هنری ماسن، پاول و دیگران، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسانی، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲۴. یزدی، محمد، سازندگی محیط، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۲ ش.